

در مورد جنگ دولت اسرائیل علیه خلق فلسطین

## در باره کشت و درو

سخنرانی معاون فرمانده شورشی مارکوس

در بخش صبحگاهی ۴ ژانویه ۲۰۰۹

ترجمه بهرام قدیمی

شاید آنچه می‌خواهم بگویم ربطی به موضوع اصلی این میزگرد نداشته باشد، شاید هم داشته باشد. دو روز پیش، در همان زمانی که ما از خشونت سخن می‌گفتیم، کوندولیزا رایس توصیف ناپذیر، کارگزار دولت آمریکای شمالی اعلام کرد که آنچه در غزه می‌گذرد، تقصیر فلسطینی‌هاست به علت طبیعت خشونت‌طلبشان.

ممکن است جغرافیای رودخانه‌های زیر زمینی‌ای که جهان را درمی‌نوردند عوض شود، ولی همه، آهنگِ یک ترانه را می‌نوازند.

نه خیلی دور از اینجا، در محلی به نام غزه، در فلسطین، در خاور میانه، در همین نزدیکی‌ها، ارتشی تا دندان مسلح، ارتش دولت اسرائیل، دارد در مرگ و ویرانگری پیشروی می‌کند.

گام‌هایی که این ارتش تا کنون برداشته، گام‌های یک جنگ نظامی کلاسیک به قصد تسخیر است: ابتدا یک بمباران شدید و سنگین برای ویران کردن مراکز «حساس» نظامی (جزوات آموزشی نظامی در این موارد چنین اصطلاحاتی را به کار می‌برند)، و برای «نرم کردن» دژهای مقاومت؛ بعد کنترل آهنگین اطلاعات: هرآنچه توسط «دنایای خارج»، یعنی خارج از صحنه عملیات، شنیده و دیده می‌شود، باید با نورم‌های نظامی منطبق شود؛ بعد توپخانه علیه توپخانه دشمن آتش می‌گشاید تا از پیشروی نیروها به سوی مواضع جدید حمایت کند؛ بعد محاصره و حکومت نظامی برای تضعیف نیروهای کمکی دشمن؛ بعد یورش برای تصرف مواضع و نابود کردن دشمن، بعد «پاکسازی هسته‌های مقاومت» احتمالی.

جزوه مدرن آموزش جنگ با برخی تغییرات و اضافات، همچنان گام به گام توسط نیروهای اشغالگر به کار گرفته می‌شود.

ما البته از این چیزها زیاد بلد نیستیم، و مسلماً متخصصینی در مورد به اصطلاح «کشمکش خاور میانه» وجود دارند، اما از این گوشه دنیا هم چیزی برای گفتن داریم:

بر اساس عکس‌های آژانس‌های خبری، نقاط «حساس» ویران شده توسط هواپیماهای دولت اسرائیل، خانه‌های مسکونی‌اند، کلبه‌ها و ساختمان‌های غیرنظامی. ما در میان ویرانه‌ها نه هیچ پناگاهی دیدیم، نه هیچ پادگان، یا فرودگاه نظامی، یا توپ توپخانه. بنا بر این ما - نادانیمان را ببخشید - فکر می‌کنیم که یا توپخانه‌های هواپیماها نشانه‌گیری شان بد است، و یا در غزه چنین نقاط نظامی «حساس» وجود ندارد.

ما افتخار شناختن فلسطین را نداشتیم، ولی فرض می‌کنیم که در این خانه‌ها، کلبه‌ها و ساختمانها مردم زندگی میکنند، مردان، زنان، کودکان و سالمندان، و نه سربازان.

دژمقاومتی هم ندیدیم، تنها ویرانه دیدیم.

آری دیدیم، کوشش تا به حال بی ثمری برای برقراری محاصره خبری را دیدیم، و دیدیم دولتهای مختلف را که شک دارند خود را به بی خبری بزنند و یا اشغال را تشویق کنند؛ و یک سازمان ملل را، آری سازمانی که از مدتها پیش بی عرضه است و فقط بولتنهای مطبوعاتی ولرم صادر می‌کند.

ولی صبر کنید. حالا به سرمان زد که شاید برای دولت اسرائیل این مردان، زنان، کودکان و سالمندان سربازان دشمن‌اند، و به همین سبب کلبه‌ها، خانه‌ها، و ساختمان‌هایی که در آن سکونت دارند پادگان‌هایی هستند که باید ویران کرد.

بنا بر این حتماً آتش توپخانه‌هایی که سحرگاه امروز بر سر غزه فرو ریختند، و پیشرفت سواره نظام ارتش اسرائیل برای حفظ اسرائیل از این مردان، زنان، کودکان و سالمندان بود.

و نیروهای کمکی دشمن هم که می‌خواهند توسط محاصره و حکومت نظامی غزه آن‌ها را تضعیف کنند، چیز دیگری نیست مگر ساکنین فلسطینی آن. و هدف این یورش نابودی همین ساکنین است. پس از این یورش نیز که پیش بینی میشود خونین خواهد بود، هر مرد، زن، کودک و یا سالمندی که مخفی شده، موفق به فرار شود، بعداً «شکار می‌شود» تا پاکسازی کامل گردد و فرمانده نظامی عملیات بتواند به بالائی خود گزارش کند «مأموریت انجام شد».

بازهم نادانی ما را ببخشید، شاید آنچه می‌گوئیم، این مورد، یا چیز، بسته به شرایط، پیش نیاید. و شاید ما به عنوان بومی و جنگجو، به جای آن که ما جنایتی را که دارد انجام میشود رد یا محکوم کنیم، باید در مورد «صهیونیسم» و یا «آنتی سمی‌تیسیم» بحث کنیم و موضع بگیریم، و یا در این مورد که اول بمب‌های حماس فرو ریختند یا نه.

شاید اندیشه‌ء ما بسیار ساده است، و به اندازه کافی دارای داده‌ها، جزئیات و سایه روشنهای به حد کافی مهم برای تحلیل نیستیم، اما از نظر ما، زنان و مردان زاپاتیست، یک ارتش حرفه‌ای در غزه دارد یک جمعیت بی دفاع را به قتل می‌رساند.

چه کسی که در چپ و در پائین است می‌تواند سکوتش را حفظ کند؟

آیا گفتن چیزی به درد کسی می‌خورد؟ آیا فریاد ما جلوی بمبی را می‌گیرد؟ آیا کلامان زندگی هیچ کودک فلسطینی را نجات می‌دهد؟

ما فکر می‌کنیم که آری، شاید نه جلوی بمبی را بگیریم، و نه کلامان به سپری بدل شود تا جلوی این گلوله‌ء کالیبر ۵/۵۶ میلیمتری یا ۹ میلیمتری، که حروف "IMI"، «صنایع نظامی اسرائیل» بر ته آن حک شده را که می‌رود تا به سینه‌ء دختر بچه و یا پسر بچه‌ای بنشیند را بگیرد، ولی شاید کلام ما بتواند با کلام‌های دیگری در مکزیک و جهان وحدت کند، و شاید ابتدا به پیچ پیچ بدل شود، بعد به صدائی و بعد به فریادی که در غزه به گوش برسد.

ما از شما خبر نداریم، ولی ما زاپاتیست‌های ارتش زاپاتیستی آزادیبخش ملی میدانیم که در ترس از ویرانی و مرگ، شنیدن چند کلمه‌ء آرامش بخش چه اهمیتی دارد.

نمیدانم چگونه برایتان توضیح دهم، اما واقعیت این است که کلامی که از دور می آید، شاید نتواند جلوی يك بمب را بگیرد، ولی مانند این است که اطاق تاریک مرگ ترك می‌خورد و نور باریکی به درون جاری می‌شود.

بقیه، همان طور که باید بشود، می‌شود. دولت اسرائیل اعلام خواهد کرد که ضربهء سختی به تروریسم وارد آورده است، از مردم خودش وسعت قتل عام را پنهان خواهد کرد، به تولید کنندگان سلاح، نفس اقتصادی دمیده می‌شود تا با بحران مقابله کنند و با «افکار جمعی جهانی»، این جماعت نرم و قابل تغییر و همیشه مد روز، سرش را برخواهد گرداند تا به سوی دیگری بنگرد.

ولی این تنها اتفاقی نیست که خواهد افتاد. در عین حال این طور هم خواهد شد که خلق فلسطین مقاومت کند و زنده بماند و مبارزه‌اش را ادامه دهد، و سمپاتی انسان‌های اعماق را برای قضیه‌اش داشته باشد.

و شاید، پسر بچهای و یا دختر بچهای از غزه زنده بماند. شاید رشد کند، و همراه با او شجاعت، غضب، و خشم او. شاید سربازی شود، یا میلیشیائی از یکی از گروه‌هایی که در فلسطین مبارزه می‌کنند. شاید در اسرائیل نبرد کند. شاید سلاحی شلیک کند. شاید با بستن کمربندی از دینامیت خود را به آتش بکشد.

و آن گاه، آن بالاها، در مورد طبیعت خشونت‌گرای فلسطینیان خواهند نوشت و بیانیه‌هایی در محکومیت این خشونت صادر خواهند کرد و بازهم در مورد صهیونیسم یا آنتی سمی‌تسیم بحث در خواهد گرفت.

و آنگاه هیچ کس سؤال نخواهد کرد: هر کسی آن درود عاقبت کار که کشت.

از سوی مردان، زنان، کودکان و بزرگسالان ارتش زاپاتیستی آزادیبخش ملی  
معاون فرمانده شورشی مارکوس  
مکزیک، ۴ ژانویه ۲۰۰۹

**De siembras y cosechas.**  
INTERVENCIÓN DEL SUBCOMANDANTE MARCOS EN LA SESIÓN MATUTINA  
DEL 4 DE ENERO DEL 2009.  
Sobre la GUERRA DEL ESTADO DE ISRAEL CONTRA EL PUEBLO PALESTINO  
En Farsi: Bahram Ghadimi